

حرکت
سال اول - شماره ۱ - تابستان ۱۳۷۸
ص ص ۹۷-۱۰۶

دانشجویان ایران و نهضت المپیک

فرهاد رحمانی نیا

عضو هیأت علمی دانشکده تربیت بدنی دانشگاه گیلان

چکیده:

مروری بر اهداف و آرمان‌های بنیانگذار نهضت المپیک، نشانگر بشر دوستی بی‌آلایش و حرمت به انسان، بدون توجه به رنگ پوست، نژاد، مرام و مسلک سیاسی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان بوده است. کارنامه یک‌صدساله پیروان این دیدگاه نیز حاکی از تلاش صادقانه‌ای است که با سیاست‌گذاری و انتخاب روش‌های متنوع، سعی کرده‌اند تا پرچم نهضت المپیک و اهداف نوع‌دوستانه آن را در سراسر جهان، توسعه بخشند. در همین راستا، تأسیس آکادمی بین‌المللی المپیک با تمهیدات گوناگون و برنامه‌های متنوع، به عنوان یک بازوی فرهنگی در صدد انتشار المپیزم و آشنا کردن ملل مختلف با اهداف خیرخواهانه آن و احیای شناسایی راه‌های جدید، برای توسعه هر چه بیشتر آن می‌باشد. دنیای امروز با پیچیدگی فراوان خود، تعامل گسترده پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را با نهضت المپیک رقم زده است و علاوه بر آن پدیده‌هایی همچون ورزش حرفه‌ای و دوپینگ نیز از موارد مهمی هستند که بر المپیزم و اهداف آن اثر گذاشته‌اند.

برای پاسخ به این پرسش که دانشجویان ایرانی تا چه اندازه با نهضت المپیک و پدیده‌های مرتبط با آن آشنایی دارند، تعداد ۸۶ نفر دانشجوی^۱ پسر و دختر رشته تربیت بدنی (۳۷ دانشجوی دختر و ۴۹ دانشجوی پسر) و ۹۲ دانشجوی پسر رشته‌های غیر تربیت بدنی، به طور غیر تصادفی انتخاب شدند و از آنها توسط یک پرسش‌نامه در مورد آشنایی با نهضت المپیک، تاریخچه و ابعاد گوناگون مرتبط با آن، همچون سیاست، تبلیغات، ورزش حرفه‌ای و دوپینگ سؤالاتی، به عمل آمد. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که دانشجویان ایرانی بویژه غیر رشته تربیت بدنی با نهضت المپیک آشنایی کمی دارند و در مورد پدیده‌های مرتبط با آن نیز دچار ابهام، کمبود اطلاعات و حتی در برخی موارد، تردید همراه با بدبینی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی:

نهضت المپیک - المپیزم

مقدمه

«بیا بید بازیهای المپیک را زنده کنیم تا دوستیها را زنده کرده باشیم»

بارون پیردوکوبرتن

«المپیک» واژه‌ای گوش‌آشناست برای نامیدن بزرگترین گردهمایی ورزش جهان در قرن حاضر که هر چهار سال یک بار، با حضور برجسته‌ترین قهرمانان ملل گیتی، در شهری و دیاری از زمین شکل می‌گیرد و مدتی چند مرکز توجه و کانون خیر چند میلیارد ساکنین این خاکدان می‌شود.

در پرونده یک‌صد ساله بازیهای المپیک نوین، به قدری حرف، و بحث نهفته است که هر صاحب اندیشه و حوصله‌ای می‌تواند به فراخور بینش و سلیقه خود، موضوعی را برگزیده و به قدر همت بدان بپردازد. اما آنچه که فارغ از این بحث‌ها، حرف اول را می‌زند، نهضتی است که آموزش جوانان را از طریق ورزش، برای ایجاد تفاهم بیشتر و دوستی بین آنها و تلاش در جهت ساختن جهانی بهتر و با صلح و صفای بیشتر در صدر منشور خود، قرار داده است. احیاگر

۱ - در این مقاله، منظور از گروه الف، دانشجویان رشته تربیت بدنی و گروه ب، دانشجویان غیر رشته تربیت

المپیک در نظر داشت که اصل اول منشور المپیک که ذکر آن رفت در حوزه‌های غیر ورزشی و خارج از مرزهای سیاسی، مذهبی و در سطوح فراملی به بار نشیند و آیین محبت و دوستی و تفاهم بین‌المللی در سایه «نهضت المپیک»^۱ جهانگیر شود.

کویرتن با شناختی که از مفاهیم ماورای طبیعت المپیک باستان داشت، در جنبش جهانی خویش به چشم‌انداز فراگیری، فکر می‌کرد که آیین محبت و دوستی را به بار نشانند و تمامی ملتها به بهانه‌ای، به نام بازیهای المپیک هر چه بیشتر به هم نزدیک شده و همراه با رقابت به رفاقت سمبولیکی برسند که علاوه بر مفهوم شاعرانه خود، با واقعیت‌های دست‌یافتنی نیز، عجین است.

در طول یک صد ساله اخیر این رویای نه چندان دور از واقعیت، با تلاش پیروان و دستداران او در قالب و تشکیلات انسجام یافته‌تری به دنیا عرضه شد و اگر در بازیهای سال ۱۸۹۶م آتن به این نهضت، به عنوان یک سرگرمی عمومی می‌نگریستند، امروزه خواص و بسیاری از عوام می‌دانند که جنبش المپیک یک ایدئولوژی جهانی با اهداف متری و مقاصد عالی انسانی است که حرمت و توجه زیادی را از سوی همگان می‌طلبد. اما، با وجود این که نهضت المپیک به عنوان یکی از نیروهای مهم اجتماعی در صحنه معاصر شناخته می‌شود، باید اذعان نمود که غیر از پاره‌ای روشنفکران و خواص، نمی‌توان با قطعیت به این موضوع اشاره کرد که آحاد مردم در بستر جامعه با معنا و روح المپیزم، آشنا شده باشند. به همین منظور، پژوهشی را در بین دانشجویان ایرانی به منظور آگاهی از میزان آشنایی و نقطه نظرات آنان در باب نهضت المپیک و ابعاد گوناگون مرتبط با آن طراحی نمودیم. اعتقاد ما بر این است که آگاهی از نظرات دانشجویان، به عنوان آینده‌سازان کشورمان در برنامه‌ریزی هر چه بهتر در جهت تربیت یک جامعه نخبه و فرهیخته که با اهداف متری و نوع‌دوستانه جنبش المپیک آشنا باشند، بسیار پراهمیت است.

روش تحقیق

تعداد ۸۶ نفر دانشجوی پسر و دختر رشته تربیت بدنی (گروه الف) و ۹۲ دانشجوی پسر رشته‌های غیر تربیت بدنی (گروه ب) به طور غیر تصادفی از دانشجویان دانشگاه گیلان انتخاب شدند (مشخصات آزمودنی‌ها در جدول شماره ۱ درج شده است) و سه جلسه متفاوت از آنها با پرسش‌نامه ویژه‌ای که تهیه شده بود، سؤالاتی به عمل آمد.

جدول (۱) مشخصات آزمودنیهای تحقیق

| جمع | سن میانگین | کارشناسی ارشد | کارشناسی | مشخصات گروه | |
|--------|------------|---------------|----------|---|------|
| | | | | پسر | دختر |
| N = ۸۶ | ۲۳ | ۴ | ۴۵ | گروه (الف) دانشجویان رشته تربیت بدنی | |
| | ۲۱ | ۳ | ۳۴ | | |
| N = ۹۲ | ۲۱ | - | ۹۲ | گروه (ب) دانشجویان غیر رشته تربیت بدنی | |

پرسش نامه مذکور از ۱۲ پرسش با گزینه‌های چندگانه، تشکیل شده بوده که ۶ پرسش اول در ارتباط با نهضت المپیک و سؤالات بعدی با مواردی همچون سیاست، تبلیغات، ورزش حرفه‌ای و دوپینگ مرتبط بود. پس از پرکردن پرسشنامه توسط آزمودنی‌ها، نتایج در قالب فراوانی مطلق و درصدی جهت مقایسه بین گروه‌ها و تحلیل آماری مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج

پاسخ آزمودنیهای گروه الف و ب به سه پرسش اول پرسش نامه که درباره آگاهی کلی آنان از المپیک نوین می باشد، در جدول (۲) درج شده است.

جدول (۲)

| درصد پاسخ صحیح | | پرسش |
|----------------|------------|--|
| گروه (ب) | گروه (الف) | |
| ۱۶ | ۷۸ | بنیانگذار بازیهای المپیک نوین چه کسی است؟ |
| ۷ | ۵۴ | ریاست فعلی کمیته بین المللی المپیک را چه کسی عهده دار است؟ |
| ۲۱ | ۴۵ | بازیهای المپیک آتی، در کدام کشور برگزار می شود؟ |

همان طور که ملاحظه می کنید به طور کلی، هر چند دانشجویان رشته تربیت بدنی (گروه الف) به مراتب آگاهی بیشتری نسبت به دانشجویان غیر رشته تربیت بدنی (گروه ب) دارند، با این حال، باید اذعان نمود که حتی گروه الف نیز در موارد طرح شده، آگاهی کامل ندارند. جالب اینجاست که در پاسخ به پرسش دوم، ۱۹ درصد از گروه الف و ۵۲ درصد از گروه ب به ژائوها و لائز به عنوان ریاست فعلی IOC اشاره کرده اند.

این گمان که دانشجویان با نهضت المپیک آشنایی کمی دارند، با پاسخ پرسشهای بعدی،

بیشتر تقویت می‌شود. در پاسخ به این پرسش که «کدامیک از موارد ذیل را جزء اهداف نهضت المپیک می‌دانند؟» گروه‌های الف و ب بترتیب ۱۶ و ۷۲ درصد به برگزاری بازیهای المپیک، اشاره کرده‌اند و در پرسش بعدی، گروه‌های الف و ب بترتیب ۳۹ و ۷۱ درصد از برنامه‌های همیاری کمیته بین‌الملل المپیک (IOC) در توسعه ورزش‌های کشورهای عقب‌مانده، اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

در پاسخ به پرسش ششم و هفتم که در ارتباط با اصل اول منشور المپیک می‌باشد، گروه‌های الف و ب بترتیب ۶۸ و ۸۲ درصد اظهار کرده‌اند که بازیهای المپیک، سهم برابری از موفقیت را برای کلیه ورزشکاران شرکت‌کننده، در نظر نمی‌گیرد و در پاسخ به پرسش هفتم که نقش رنگ پوست و نژاد شرکت‌کنندگان بازیهای المپیک، مورد سؤال قرار گرفته است، دوباره گروه‌های الف و ب بترتیب ۵۷ و ۷۱ درصد به اثر این عوامل بر بازیهای المپیک، اشاره کرده‌اند. در پرسش بعدی، بترتیب ۵۳ و ۶۹ درصد از گروه‌های الف و ب معتقد بودند که بازیهای المپیک با سیاست، ارتباط تنگاتنگی دارد. در مورد استفاده از تبلیغات و تمهیدات تجاری برای توسعه نهضت المپیک و اهداف انسانی آن نیز، بترتیب ۸۶ و ۵۴ درصد از گروه‌های الف و ب، این کار را مجاز دانسته و با روح المپیک مغایر نمی‌دانستند. همچنین، درباره برخورد با ورزشکاران حرفه‌ای نیز، بترتیب ۶۹ و ۴۱ درصد از گروه‌های الف و ب اظهار کردند که ورود این ورزشکاران به بازیهای المپیک، باید ممنوع باشد. در مورد برخورد با دوپینگ نیز، بترتیب ۷۶ و ۵۷ درصد از گروه‌های الف و ب معتقد بودند که باید از دوپینگ به طور کامل جلوگیری شود. و سرانجام، در پاسخ به پرسش پایانی که از آزمودنی‌ها در مورد آگاهی کلی آنان درباره فعالیت‌های (IOC) در کشورمان پرسیده شده بود، بترتیب ۲۴ و ۷۱ درصد از گروه‌های الف و ب به گزینه «هیچ آگاهی ندارم» اشاره کرده بودند.

بحث و پیشنهادها

همان‌طور که از پاسخ‌های آزمودنی‌ها پیداست، باید اذعان نمود که نهضت المپیک در کشور ما برای دانشجویان که برنامه‌ریزان آینده کشور در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و بخصوص ورزش می‌باشند، کاملاً شناخته شده نیست. این موضوع ممکن است، به دلیل پر حجم بودن تبلیغات رسانه‌های کشورمان در مورد رشته‌های ورزشی، بویژه فوتبال باشد (همان‌طور که اشاره شد، تعداد زیادی از آزمودنیهای هر دو گروه، ریاست فیفا را رییس (IOC) می‌پنداشتند)، که این موضوع توجه بیشتری را از جانب مسئولان کمیته و آکادمی ملی المپیک کشورمان، برای معرفی جنبه‌های گوناگون جنبش جهانی المپیک و اهداف عالی آن به آحاد

جامعه، بالاخص دانشجویان طلب می‌کند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که با تشکیل دفتر دانشجویی در کمیته ملی المپیک، برگزاری همایش‌های سالانه، تشکیل اردوها و کارگاه‌های آموزشی و چاپ کتاب، جزوه و پوستره‌های متنوع، تلاش دامنه‌داری در شناسایی نهضت المپیک به دانشجویان بخرج داده شود.

زمانی که اولین المپیک پس از انحلال آن در سال ۳۹۴ پس از میلاد توسط تئودوسیوس آغاز می‌شد. بارون پیردوکوبرتن، اهداف انسانی از جمله گردهمایی ورزشکاران جهان بدون توجه به رنگ پوست، نژاد، مرام و مسالک سیاسی را از آمال المپیک خوانده و در یکی از گفتارهای نغز خود، چنین گفته است که «با المپیک همه ملل جهان از آرامش و همبستگی خلل ناپذیر برخوردار خواهند شد. اما واقعیت این است که بنا بر نظر برخی از پژوهشگران، ملیت‌گرایی بر اهداف وحدت بین‌المللی المپیک‌ها تأثیر گذاشته است (۶ و ۱۷).

تاریخ المپیک نوین نشان می‌دهد که در ۴ دوره اول بازیهای المپیک، حداقل ۸۰ درصد کشورهای شرکت‌کننده، برنده مدال شده‌اند. اما از سال ۱۹۱۲م درصد کشورهایی که توانسته‌اند، حداقل یک مدال را تصاحب کنند، همواره کاهش یافته است و کسب مدال و افتخار، تنها در اختیار تعداد معدودی از کشورها بوده است، این موضوع، با وجود این گفته زیبای کوپرتن که «شرکت کردن در بازیهای المپیک مهم است نه برنده شدن» به تقویت دیدگاه بدبینانه مردم برخی از کشورها، نسبت به اهداف عالی و تلاش به واقع انسانی گردانندگان این نهضت، منجر می‌شود که در نتایج این پژوهش نیز کم و بیش به چشم می‌خورد.

بنابراین، لازم و شایسته است که آکادمی ملی المپیک با ارایه برنامه‌ها و تمهیدات مناسب، به معرفی اهداف و آرمان‌های نهضت المپیک، اقدام نموده و ضمن تشریح واقعیت‌ها و پیچیدگیهای عصر حاضر، به تصریح این نکته، اهتمام ورزد که سیاست، نژادپرستی و ملیت‌گرایی در آرمان‌های جنبش جهانی المپیک جایی ندارد و اگر احیاناً در برخی بازیهای المپیک، وارد شده است، این تداخل بر خلاف رأی بنیانگذاران المپیسزم و سیاست‌گذاران معاصر وفادار به آن، می‌باشد.

نکته دیگر، ارتباط پدیده تبلیغات با نهضت المپیک می‌باشد که تعداد قابل توجهی از آزمودنی‌ها به کاربرد شایسته آن در ترویج المپیزم، اشاره کرده بودند. واقعیت این است که شاید در اولین المپیک باستان (۷۷۶ قبل از میلاد) برگزاری این بازی‌ها، خرج زیادی بر دوش برگزارکنندگان آن نمی‌گذاشت و هدف از آن فقط ترتیب دادن جشن‌هایی که آن روزها المپیاد نامیده می‌شد، بوده است. اما در عصر جدید و هر چه به حال، نزدیک می‌شویم، بازیهای المپیک به تبع پیچیدگیهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهان امروز، بسیار

پیشرفته‌تر شده است. در المپیک مکزیکوسیتی ۱۹۶۸م، ۲۵۰ میلیون دلار هزینه شد، در حالی که هزینه المپیک مسکو در ۱۹۸۰م حدود دو میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار بود و بنابر همین سیر صعودی، هزینه بیست و چهارمین دوره بازی‌ها در سئول به چهار میلیارد دلار رسید. بنابراین، بانیان المپیک، لاجرم باید به تمهیداتی می‌اندیشیدند که بتوانند جذابیت بازی‌ها را برای برگزار کنندگان آنها به قدری زیاد کنند که میزبانان برگزاری المپیک، با طیب خاطر برای این هدف مهم، داوطلب باشند و از سوی دیگر، فرصت‌هایی را نیز برای خود (IOC) ایجاد کنند که توان اقتصادی آن را بالا ببرد.

یکی از بهترین راه‌ها برای تأمین این هدف، توجه به مسائل اقتصادی و حوزه تجارت و تبلیغات در برگزاری بازیهای المپیک بود که جذابیت آن را برای دولت‌ها تضمین می‌کرد. به عنوان مثال، دولت کره جنوبی که میزبان المپیک ۱۹۸۸م سئول بود، در پایان بازی‌ها جدای از اقداماتی که برای برگزاری بازی‌ها انجام داده بود، به طور خالص ۳۹۴ میلیون دلار سود برد. بدون تردید، اگر چنین فرصت و اقبال مساعدی برای دیگر کشورهای دنیا نیز فراهم شود، در اقتصاد آنها بی‌تأثیر نخواهد بود. اما پرسش اینجاست که این موضوع، برای بیشتر کشورهای دنیا که امکان برگزاری چنین سرمایه‌گذاری کلانی، جهت برگزاری بازی‌ها را ندارند، چه سودی خواهد داشت؟

شواهد مستند حاکی از این است که از جانب (IOC) و دیگر مؤسسات در بخش کمک‌های بین‌المللی به ورزش کشورهای فقیر و در حال توسعه، مساعدت‌های قابل توجهی، صورت گرفته است که به عنوان مثال، می‌توانیم به «همبستگی المپیک» که در سال ۱۹۷۳م به وجود آمده، صندوق‌های کمک‌های ورزشی بین‌المللی در تأمین بازیهای منطقه‌ای، برنامه‌های کمک و توسعه برخی از فدراسیون‌های ورزشی و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه‌ای که بین برخی کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، منعقد می‌شود، اشاره کنیم، بدیهی است که برای مساعدت هر چه بیشتر و اجرای برنامه‌های همیاری جهانی، در ابعاد وسیع‌تر باید از فرصت‌های اقتصادی به دست آمده در بازی‌های المپیک، سودجویی می‌شد. در همین راستا، اجازه تبلیغات و حق امتیاز بخش برنامه‌های تلویزیونی بازیهای المپیک مورد مناسبی بود تا در کانون توجه (IOC) قرار گیرد. شایان ذکر است که در سال ۱۹۶۰ شبکه (CBC) برای حق امتیاز پخش برنامه‌های تلویزیونی ۶۶۰ هزار دلار پرداخت کرد، اما همین هزینه برای شبکه (NBC) در بازیهای ۱۹۹۲م به حدود ۴۰۱ میلیون دلار، رسیده و قرار است همین شبکه تلویزیونی برای بازیهای سال ۲۰۰۰م شهر سیدنی مبلغ ۷۱۵ میلیون دلار، پرداخت کند. این ابتکار (IOC) قابل تحسین است و باید پذیرفت که فرصت به وجود آمده، به فال نیک گرفته شود و با تلاش هر چه

بیشتر و با تدوین سیاست‌های اقتصادی جدید، از اقبال موردنظر، بهره کافی جست و به تبلیغ و اشاعه آرمان‌های المپیک پرداخت، بخصوص کمیته و آکادمی ملی المپیک کشورمان نیز می‌تواند، با به کارگیری برخی راهکارهای ابتکاری جدید، به فکر درآمدزایی برای توسعه و معرفی هر چه بیشتر آرمان‌های المپیک در سطح کشور باشد که لزوم آن بیش از پیش احساس می‌شود.

ورزش حرفه‌ای و دوپینگ به عنوان موارد پایانی پرسش‌نامه، بخش آخر بحث ما را تشکیل می‌دهد. در مبحث نتایج تحقیق، اشاره شد که آزمودنیهای دانشجوی، خواستار ممانعت و تحدید جدی این مورد در بازیهای المپیک بوده‌اند. واقعیت این است که یافته‌های جدید پژوهشی و آشکار شدن فواید جسمانی و روانی فعالیت‌های بدنی از یک سو و ارتباط روزافزون اقصی نقاط جهان به مدد فن‌آوری معاصر، از سوی دیگر سبب شده است که ورزش و فعالیت‌های بدنی، به عنوان یکی از موارد مهم زندگی انسان امروز، تبدیل شود. همین موضوع، بر تعداد تشکیلات و باشگاه‌های ورزشی، افزوده است و رقابت بین آنان برای به خدمت گرفتن مربیان و کارشناسان مجرب و ابزارهای علمی نوین، رو به تزاید گذاشته است. بدون تردید این مسابقه بزرگ، برای کسب پیروزی در سطوح مختلف با دستیابی به سرمایه‌های کلان و هزار و یک ترفند کوچک و بزرگ امکان‌پذیر است و از همین جاست که ورزشی حرفه‌ای، متولد می‌شود و جدای از ظاهر بزک کرده و پرطمطراق خود که ساده‌دلان را با شعار توسعه همه جانبه و سریع ورزش، اغوا می‌کند، با آفت‌های بی‌شماری که بر پیکره آرمان‌گرای ورزش وارد می‌کند، خود را به عنوان دشمن شماره یک «نهضت المپیک» می‌شناساند.

بنابر آمار موجود، تنها فروش تجهیزات و ملزومات ورزشی در سال ۱۹۸۸ به ۹/۸ میلیارد دلار رسید (۶) و اگر هزینه مربیان و کارشناسان متعدد تیم‌ها را نیز در نظر بگیریم، احتمالاً از کل بودجه بسیاری از کشورهای جهان، فواتر خواهد رفت. با توجه به اینکه، این مبالغ جدای دستمزد خود ورزشکاران است که بنا به اظهار برگر^۱، تنها با مالیات آنان، برخی خدمات دولتی انگلیس اداره می‌شوند (۱۵) و اگر آنچنان که وست و بوچر گفته‌اند، جوایز برخی گلابدیا توره‌های نامدار قدیم، در طول دوران ورزشی خود به دو میلیون دلار می‌رسید، پاداش گلابدیا توره‌های امروز بعضاً به چند برابر این رقم در طول یک سال، بالغ می‌شود (۶).

استانلی کلارک^۲ در مقاله آماتوریزم، المپیزم و تعلیم و تربیت معتقد است که:

موضوع المپیک تنها به بازیهای المپیک محدود نمی‌شود بلکه این موضوع، تلاشی

برای ترویج روح آماتوری و جنبه بی آرایش ورزش‌ها در جوانان و بهره‌گیری عملی آنان از ورزش می‌باشد. اصول فلسفی المپیک بر این مبنا، قرار گرفته است که ناهنجاری‌ها و پیامدهای ناشی از زندگی شهری و جامعه صنعتی نظیر اتوماسیون و الیناسیون را از بین ببرد و انسان و جامعه در مسیر ترقی و تعالی قرار گیرند (۱).

بنابراین، بدیهی است که پیروان نهضت المپیک بکوشند تا راه ورود نامیمون ورزش حرفه‌ای را به حریم المپیک مسدود کنند و مروج آماتورسیم باشند. اینکه تا چه اندازه در اجرای این مهم، موفق بوده‌اند به وقت دیگری ماکول می‌کنیم، اما آنچه که در این باره حائز اهمیت است، موضوع دوپینگ و زمزمه‌های جدیدی است که در باب تردیدهای مبارزه با آن در المپیک‌ها به گوش می‌رسد (۲).

واقعیت این است که دوپینگ، فرزند نامشروع ورزش حرفه‌ای است و جدای از آثار و عوارض جانبی آن بر پیکره جسم و روح ورزشکاران، باید بپذیریم که در تقابل کامل با نهضت المپیک قرار دارد. کورتن از ورزش به عنوان یک وسیله برای تهذیب اجتماعی یاد می‌کند. یک مقابله علیه شیاطین اعتیاد به مشروبات الکلی و مواد مخدر (۷). او می‌داند که ورزش عاملی است، برای کسب منافع بهداشتی، اجتماعی و اخلاقی و به هیچ وجه با دلبستگی به دارو و هزار یک کلک دیگر برای نیل به پیروزی سازگار نیست. از این رو لازم است به کسانی که مبارزه با دوپینگ را به دلایلی همچون نادیده گرفتن حقوق انسانی ورزشکاران و ناکافی بودن تجهیزات تشخیص و شناسایی خاطیان، به باد انتقاد می‌گیرند، گوشزد کنیم که ستیغ هوش و ابتکار آنان، بازتاب نادانی و کم‌اعتنایی آنان به آرمان المپیک است و اعتقاد راسخ داریم که دوپینگ علاوه بر عواقب ناگواری که برای سلامتی ورزشکاران دارد، اگر اجازه مصرف آن صادر شود، دیگرانی که به مصرف این گونه مواد تمایلی ندارند، مجبور خواهند شد تا برای رقابت با حریفان خود به انجام دوپینگ مبادرت ورزند. بنابراین عدم مداخله و مبارزه پیگیرانه (IOC) با پدیده شوم دوپینگ، منجر به سلب آزادی ورزشکاران، خواهد شد که در چنین اقدام زیان‌آوری درگیر نیستند.

منابع و مآخذ

- ۱- آقاپور، سیدمهدی. "از اصول و فلسفه ورزش و تربیت بدنی چه می‌دانید؟" ماهنامه ورزش دانشگاه انقلاب، شماره ۱۲۴؛ صفحه ۱۲؛ ۱۳۷۵.
- ۲- تروودولمنز. "ورزش‌ها، دوپینگ و تعارض ارزش‌ها"، ترجمه حسین آقایی‌نیا. مجله المپیک، سال چهارم، شماره ۷، صفحه ۳۶-۲۸، ۱۳۷۵.
- ۳- رحمانی‌نیا، فرهاد. "جزوه مبانی روانی - اجتماعی در تربیت بدنی"، دانشگاه گیلان: دانشکده

- تربیت بدنی، ۱۳۷۵ .
- ۴- فتحی، هوشنگ. "بازی‌ها". تهران: انتشارات فرهنگ، ۱۳۷۱ .
- ۵- لندری، فرنالد. "المپیک، اندیشهٔ ایجاد تفاهم بین‌المللی یا سلطهٔ فرهنگی"، ترجمهٔ رحمتا... صدیقی سروستانی. مجلهٔ المپیک، سال اول، شمارهٔ ۲، صفحهٔ ۲۷-۷. ۱۳۷۲ .
- ۶- وست، دیورا. چارلز. "مبانی تربیت بدنی و ورزش"، ترجمهٔ احمد آزاد، تهران: انتشارات کمیتهٔ ملی المپیک، ۱۳۷۴ .
- ۷- هوچنگ، جو. "مفهوم آسیایی ورزش همگانی و تأثیر آن بر نهضت المپیک"، سال اول، شمارهٔ ۲، صفحهٔ ۱۲۳-۱۱۱، ۱۳۷۲ .

8. Brunde, Avery "Olympic philosophy" International olympic Academy olympia Greece, 1963.
9. Ilmarinen, M. (Edi). "Sport and International undrestanding" Berlin. springer verlag, 1984.
10. Landry, fernand" The olympic movement. Grandeurs and paradoxes of its Develoment success" paper presented at the seoul olmpiad Anniversary conference seoul, Korea, 12th - 16th september 1989.
11. Lipsky, R. "Political Implication of sport Team symbolism" politics and society, Vol. 9, No.1, PP. 61 - 88 1979.
12. Lowe, B. karvin D.B and strenk, A. (Eds). " Sport and international Relations." Champaign: stipes, PP, 627. 1978.
13. Lucas, john, A. "Future of the olympic congress". 1894 - 1994.
14. Palm, jurgen. "Olympic movement and sport for ALL". Paper presented at the seoul olympics sports seminar, Korean olympic committee, seoul Korea, 13th - 17th November 1981.
15. Ritter, peter. "The olympic movement in the service of peace and brotherhood" paper presented at the Eighteenth session IOA in Greece, 1978.
16. solakov, Angel. "Topical problems of the International olympic movement" sofia Press, 1982.